

# تصویر زن در نهج البلاغه

19 آذر 1402

ناپذیرامروزه محرز است که شرکت همگانی مردم برای توسعه پایدار و قابل کنترل، لازم و اجتناب است. زنان ذخیره‌های انسانی مهم و ارزش‌مندی برای سازندگی، اعتلای معنوی و مادی کشور محسوب می‌شوند و شرکت ایشان در فعالیت‌های اجتماعی در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از لوازم اساسی رشد کشور و از آرمان‌های انقلاب اسلامی تلقی می‌شود. آنچه که موجب بالا رفتن میزان مشارکت زنان در جامعه می‌شود احترام به حقوق و شئون آنان است.

انگیز بانوان وبدون شناخت ویژگی‌های روانی، اخلاقی، نیازها، توانایی‌ها و ظرفت‌های دنیای شگفت آگاهی از جایگاه حقیقی آنان در نظام هستی، استفاده از عواطف، ادراکات و توانایی‌های جسمی و روحی زنان مقدور نیست.

گرفته پیرامون زن و حقوق وی، هنوز سوالات و شبهاتی در این‌علی‌رغم پژوهش‌ها و کوشش‌های انجام زمینه اذهان جوانان را به خود مشغول داشته است.

یکی از منابعی که از دیرباز در مباحث اخلاقی درباره جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی به آن استناد البلاغه می‌باشد. شده است کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج

پذیری زن و وجود ارزش‌های والای انسانی او را انکارگروهی با تمسک به ظاهر کلام حضرت، کمال اند، گروهی دیگر با تاکید بر کرامت و منزلت زن، کلام مایه پنداشته‌کرده و وی را موجودی دون و بی اند. اکنون سوال این است، واقعیت چیست؟ نگاشته‌حضرت را منافی با مقام و جایگاه حقیقی زنان اند؛ روشنفکران با نگاه انتقادآمیز به تبعیض حقوقی زن و مرد از نگاه حضرت امیر حکم کرده‌برخی البلاغه حکم کرده و آن را در شأن علی (ع) نمی‌دانند؛ گروهی دیگر به‌عده ای نیز به فرودستی زن در نهج خاطر اجتناب از چنین رویکردی به تأویل و تفسیر به رأی خطبه‌ها روی آورده‌اند و بعضی هم به ظاهر البلاغه اکتفا کرده و آن را مطابق اسلام و شریعت پنداشته و زن را فرودست، عبارات و گفته‌های نهج ناقص و بی‌ارزش، و مرد را فرادست، با ارزش و کامل می‌دانند.

در نگرش علی (علیه السلام) زن چگونه موجودی است؟ سلوک اجتماعی و سیره عملی حضرت کدام نظریه را تأیید می‌کند؟

واقعیت این است که امروزه زنان در امور مدیریتی، اداره امور اجتماعی، قدرت تعلیم و تعلم و بسیاری از امور دیگر نه تنها از مردان کمتر نیستند، بلکه در برخی موارد از توانایی‌های بالایی برخوردارند؛ لذا احادیثی که زنان را حقیر و فرودست نشان می‌دهد بسیار قابل تأمل می‌باشد. به هر طریق این حساسیت و شبهات باید در سطح عمیق مطمع نظر و تأمل قرار گیرد.

## تساوی زن و مرد

اسلام با صراحت کامل و قاطعانه هویت انسانی زن و مرد را متحد می‌داند. قرآن در بیان وحدت هویت انسانی زن و مرد قابل خدشه نیست. شناخت زن، در حقیقت شناخت انسان و کرامت اوست. زن در آفرینش در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است، تمایز و فرقی در حقیقت و ماهیت میان زن و مرد نیست. قرآن کریم به صراحت از این حقیقت پرده برمی‌دارد و در اولین

آیات سوره نساء می‌فرماید:

«ای مردم! از مخالفت با فرمان‌های پروردگارتان بپرهیزید آن که شما را از یک تن آفرید و جفتش را از جنس او پدید آورد و از آن دو تن مردان و زنان بسیاری را منتشر و پراکنده ساخت.»

خداوند در قرآن به دفعات مکرر از زنان تجلیل کرده و نه تنها آن‌ها را پایین و ناتوان نشمرده، بلکه در موارد بسیار آن‌ها را عزیز داشته است. آفرینش زن و مرد از یک گوهر است و هیچ مزیتی برای مرد نسبت به زن در اصل آفرینش نیست. اگر در بعضی روایات مزیتی این چنینی ذکر شده است یا از جهت سند نارساست و یا از جهت دلالت، ناتمام است. اینکه زن از دیدگاه امیرالمومنین (ع) دارای چه مقام و منزلتی است مبتنی بر این است که در بینش حضرت، انسان از چه مقام و جایگاهی برخوردار است؛ زیرا پیامبر و ائمه اطهار (ع) تنها برای هدایت مرد نیامده اند؛ بلکه برای هدایت انسان مبعوث گشته اند و است هرگز موصوف آن‌ها را بدن نمی‌داند؛ یعنی بدن فصلی که عهده دار بیان ارزش‌ها و ضدارزش‌ها نیست که مسلمان یا کافر، عالم یا جاهل، متقی یا فاجر، صادق یا کاذب... است. به عبارت دیگر زن بودن یا مرد بودن مربوط به پیکر است نه جان و روح.

تعلیم و تربیت و تهذیب و همه ارزش‌ها از آن نفس است و نفس غیر از بدن و بدن غیر از نفس است. حقیقت انسان نفس و روح است نه زن و مرد.

از دیدگاه علامه خوئی، مردان ناگزیر از رویارویی و برخورد با شئون مادی و دنیوی است که زندگی آنان از جهات مختلف با آن شئون ارتباط دارد، مانند مواجه شدن با مال، زن، همسایگان، نزدیکان، فرزندان و غیره که در این برخوردها آنان با سختی‌ها و آسانی‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها و... روبه‌رو می‌شوند که این امور، به خوبی یا بدی مرد در زندگی بر می‌گردد.

حسن مجیدی، پژوهشگر حوزه دینی